

دوتا ۳۱۵	در میان گذاشتن / ۵۹
T = معلم ۱	S = معلم ۲
یک شاگرد آنچه را که از مزامیر آموخته است ، در میان می‌گذارد - بخش ۳	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات راز گاهان است یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید . ما دو معلم هستیم که آنچه از راز گاهان خود از هفت بخش منتخب در کتاب مزبور در عهد عتیق را یاد گرفته ایم با شما در میان خواهیم گذاشت . هفته ای یکبار جمع می شویم تا آنچه یاد گرفته ایم را با هم در میان بگذاریم . درحالیکه به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. عنوان امروز این است : "یک شاگرد آنچه را که از مزامیر - بخش ۳ آموخته است، در میان می‌گذارد."

(S) در میان گذاشتن برکات از فصل‌های انتخاب شده از مزامیر

در طول هفته گذشته ، مزموهای ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۷ و ۴۰ و ۴۹ را خواندیم و در مورد آنها تعمق و دعا کردیم. اینک از یادداشتهای خود استفاده خواهیم کرد تا حقایق و درسهای مهمی از این مزامیر در میان بگذاریم و در مورد برخی از بخشهای دشوار گفتگو کنیم.

در میان گذاشتن برکات از مزمو ۳۱.

اول . "شکست حاصل از افتادن در دام". رنجهای داود برای قوم خدا غیر معمول نیست. ارمیای نبی نیز دچار رنجهایی مشابه شده بود. آیه ۱۲ می‌فرماید: "همچون مردهای هستم که به دست 'فراموشی' سپرده شده است؛ مانند 'ظرفی' هستم که به دور انداخته باشند". این آیه را با ارمیا ۲۲: ۲۸ مقایسه کنید: "آیا این مرد ... مانند 'ظرف شکسته' شده ای نیست که کسی به آن نیازی ندارد؟". و آیه ۱۳ می‌فرماید: "شنیده‌ام که بسیاری پشت سر من بدگویی می‌کنند. 'وحشت مرا احاطه کرده است، زیرا آنان نقشه قتل مرا می‌کشند؛ بر ضد من برخاسته‌اند و قصد جانم را دارند". این آیه را با ارمیا ۲۰: ۱۰ مقایسه کنید: "از هر طرف صدای تهدید آنها را می‌شنوم و بدنام می‌لرزدم. حتی دوستانم می‌گویند که 'از دست من شکایت خواهند کرد' و آنها منتظرند که ببفتم ، و به یکدیگر می‌گویند: شاید او خودش را به دام بیندازد؛ آن وقت می‌توانیم از او انتقام بگیریم". و آیه ۱۷ می‌فرماید: "ای خداوند، به تو متوسل شده‌ام ، 'نگذار سرافکنده شوم'. بگذار بدکاران 'شرمنده شوند' و خاموش به قبرهایشان فرو روند". این آیه را با ارمیا ۱۷: ۱۸ مقایسه کنید: "تمام کسانی را که مرا آزار می‌دهند ، 'به رسوایی و هراس گرفتار بساز ، ولی مرا از هر بلایی محفوظ بدار'. آری ، بر ایشان دو چندان بلا بفرست و نابودشان کن".

دشمنان داود برایش دامی نهاده بودند ، و بر اساس آیات ۴-۵ بنظر می‌رسد که او در دام گرفتار شده باشد. مسیحیان باید بسیار مراقب باشند زیرا دشمنانشان اغلب دامهایی برایشان می‌نهند. "هدف دشمنان این است تا اعتبار مسیحیان پرنفوذ را در نظر پیروانشان خدشه‌دار سازند". رهبران مسیحی بطور خاص باید مراقب باشند تا گرفتار وضعیتی نگردند که باعث بدنامی ایشان باشد. وضعیتی که بتواند باعث بدنامی شود می‌تواند موضوعی اخلاقی همچون ارتکاب زنا باشد. وضعیتی بدنام‌کننده دیگر می‌تواند موضوعی مالی همچون رشوه‌گیری باشد. وضعیتی رسواکننده دیگر می‌تواند موضوعی سیاسی باشد ، یعنی انسان وسوسه شود تا سخنانی علیه رهبران حکومتی بر زبان براند. مسیحیان باید بسیار مراقب باشند زیرا هدف دشمنانشان آن است تا نفوذ آنها را بر پیروان خویش کم‌رنگ سازند. و شیوه‌های پلیدی برای این کار دارند ، و برای مثال عمداً دامهایی بر سر راه مسیحیان می‌نهند تا در آنها بیفتند.

پیامدهای افتادن داود در این دام باعث آسیب و ضرر فراوان شد. بر اساس آیات ۱۱-۱۲ ، همسایگانش از او نفرت داشتند و حتی دوستانش از او می‌ترسیدند و طوری رفتار می‌کردند گویی او را فراموش کرده‌اند. بر اساس آیه ۱۳ ، دشمنان داود به افتادن او در دام بسنده نکردند. آنها به آزار خود ادامه دادند و نقشه کشیدند تا او را به قتل برسانند. آنها تا نابودی کامل او تن به رضایت نمی‌دادند. داود دچار اضطراب و شک شد. او می‌دید که دشمنان از هر سو احاطه‌اش کرده‌اند (آیه ۱۵). بر اساس آیات ۹-۱۰ او در جسم و روح ضعیف گردید؛ جان او در نگرانی تحلیل می‌رفت و قوتی در او نماند. اما بدترین نکته ، شکل‌گرفتن این باور در او بود که خدا حقیقتاً او را رها کرده است. بر اساس آیه ۲۲ داود بر اثر وحشت ، تصور کرد که خدا او را ترک کرده و از نظر او دور مانده است. او از این می‌ترسید که خدا دیگر حتی به مشکلاتش نیز توجهی نداشته باشد.

دوم. "پیروزی ایمان به خدا". داود در بدبختی خود از خدا کمک طلبید. در آیات ۲-۳ او خدا را صخره نجات و قلعه مستحکم نامید که در آن پناه گرفته بود. بنابراین ، "دشمنان داود قیل از آنکه بتوانند به او حمله کنند ، نخست می‌بایست بر خدا غالب آیند. " تصور اینکه خدا قلعه مستحکم من است که بر صخره‌ای بلند و مصون از حمله بنا شده ، برای من بسیار تسلی‌بخش است. تا زمانی که در خدا پناه بجویم ، تمام دشمنانم قیل از آنکه بتوانند بر من حمله‌ور شوند ، نخست باید به خدا حمله کنند و بر او غالب آیند. و از آنجا که هیچکس قادر به غالب آمدن بر خدا نمی‌باشد ، بنابراین نزد خدا حقیقتاً در امان هستم. در آیه ۵ داود می‌فرماید که روح خود را به دستهای خدا سپرده است. این بدان معنا است که او نگرانی خود را در مورد حیات خود در این دنیا به خدا سپرده است. در آیه ۱۵ می‌فرماید که ایمان در دست خدا است. این بدان معنا است که طول عمر او نه بدست دشمنان ، بلکه بدست

خدای زنده تعیین می‌گردد. بنابراین داود بر عدالت (۱) و رحمت بی‌انتهای خدا (۱۶) امید بست. او جرأت کرد از خدا بطلبد تا او را از دام و رسوایی که دام به همراه آورده بود، یاری و نجات دهد، و او جرأت کرد از خدا بخواهد تا دشمنان شریرش را شرمزده بسازد. او اینچنین دعا کرد: "بگذار بدکاران شرمزده شوند و خاموش به قبرهایشان فرو روند. بگذار زبان دروغگو که بر ضد درستکاران سخن می‌گوید لال شود" (۱۷-۱۸). داود اگر چه متحمل شرم و رسوایی شد، اما "تصمیم گرفت تا زیر بار شکست نرود، بلکه با ایمان خود به خدای زنده که می‌تواند هر نوع شرایط دشوار را تغییر دهد، پیروزمند شود". در آیه ۱۴ او می‌فرماید: "اما من بر تو، ای خداوند، توکل کرده‌ام و می‌گویم که خدای من تو هستی". بدین ترتیب ایمان او باعث گردید تا عذاب او تبدیل به حمد و پرستش شود. در آیه ۷ و همچنین آیات ۲۱-۲۴، او در این واقعیت شادی می‌کرد که خدا بلائی او را دیده و از عذابی که می‌کشد آگاه است. خدا فریاد طلب رحمت داود را شنید و زمانی که او خود را گرفتار دام و شهری محاصره شده می‌دید، محبت عجیب خود را نسبت به او نشان داد. داود خدا را حمد کرد زیرا او را از دست دشمنان متکبر محافظت کرده بود. ترسهایی که من هم از دشمنان خود دارم، می‌توانند به پیروزی ایمان مبدل گردند، زیرا هر گاه در خدا پناه جویم، او برای من همچون قلعه‌ای مستحکم است.

(T) در میان گذاشتن برکات از مزمور ۳۲. "مزمور توبه".

اول. "داود در رنج و عذاب بود زیرا از اعتراف به گناهان خویش امتناع می‌کرد". در مزمور ۱۹: ۱۲-۱۳ نگرش داود بسیار متفاوت بود و اینچنین دعا کرده بود: "کیست که بتواند به گناهان نهان خود پی ببرد؟ خداوند، تو مرا از چنین گناهان بازدار و نگذار بر من مسلط شوند. آنگاه خواهم توانست از شر گناه آزاد شده، بی‌عیب باشم". در مزمور ۱۹ او از وجود هر گونه گناهی که بین خودش و خدا قرار گرفته باشد بی‌خبر بود. اما اینک در مزمور ۳۲: ۳-۴، او نسبت به گناهانی که بین خودش و خدا قرار داشت بسیار آگاه بود. او به یاد گذشته افتاد، یعنی زمانی که از اقرار و اعتراف کردن این گناهان نزد خدا امتناع کرده بود. او به توصیف جدال سهمناکی می‌پردازد که در زمان سکوت خود نسبت به گناهان خویش، در روح خود با خدا داشت. گناهی که او مرتکب شده بود بر ما پوشیده است. این می‌توانسته عمل زنا یا با بت‌شعب و به قتل رساندن شوهر او اوریبا بوده باشد. اما آنچه که حائز اهمیت می‌باشد، آگاهی عمیق باطنی و آگاهی وجدان او از این مطلب بود که گناهان خاصی در زندگی مرتکب شده بود که در موردشان نزد خدا، یا نزد کسانی که نسبت به آنها گناه ورزیده بود، به خطای خود اعتراف نکرده بود. رنج و عذاب او تا زمانی که او از اعتراف به گناه سر باز می‌زد، همچنان ادامه داشت. اما هنگامی که خدا از طریق روح القدس خویش او را وادار ساخت تا به گناه خود اعتراف کند و او از این کار امتناع کرد، وجدانش دچار تلاطم گشت. "ندای وجدان" با فریاد می‌خواست تا او به گناهش اقرار کند، اما "اراده‌اش" او را وادار به سکوت می‌کرد. و بدین ترتیب جدالی بین خدا و روح داود در گرفت. او هر چه بیشتر بر سکوت خود پافشاری می‌کرد، ندای وجدانش با فریادی بلندتر اعتراض می‌کرد. هنگامی که او در مورد گناه خویش سکوت کرده بود، خدا نیز سکوت کرد و فریادهای درخواست رهایی او را نشنیده گرفت. دست مجازات‌کننده خدا بدون آنکه مجالی به او بدهد، بر جسم و روح داود با سنگینی فرود آمد. گناهانی که اعتراف نشده باشند باعث رنج جسم و عذاب روح می‌گردند. جسم او تحلیل رفت و او هر روز ناله می‌کرد. آگاه بودن او در مورد خشمی که خدا بطور عادلانه نسبت به او داشت، آرام و قرار برایش باقی نگذاشته بود. مانند این بود که آتشی در جانش افروخته شده باشد و هر آن انتظار آن می‌رفت که این آتش او را هلاک کند. داود تبدیل به مردی شکست‌خورده شد و مانند این بود که بر اثر حرارت آفتاب سوزان مناطق حاره‌ای، نیرو و توانش تحلیل رفته باشد. نیرو و انگیزه انجام هیچ کاری در او باقی نماند.

دوم. "داود شادی کرد، زیرا خدا با سخاوت فراوان گناهان را می‌آمرزد". آنگاه پس از مجادله‌ای طولانی با خدا، بالاخره خدا مقاومت او را در هم شکست. داود رازی را که در دل مخفی کرده بود بر دهان جاری ساخت. او دیگر تلاش نکرد تا گناهش را بپوشاند، بلکه نزد خدا به آن اقرار و اعتراف کرد. او متقاعد شد و خود را محکوم شده دید، زیرا آنچه را که در این مدت طولانی مخفی نگاه داشته بود، در نظر خدا گناه، خطا و جرم بود. او متوجه شد چنانچه به آنچه که تصور می‌کرد انجام داده است اقرار و اعتراف نکند، آنگاه از "هدفی که خدا برای زندگی او داشت محروم می‌شد". آنچه که او در خفا فکر کرده و انجام داده بود گناه بود، یعنی "جاده‌ای کج و منحرف". گناه او جرمی بود عمدی که نسبت به احکام خدا انجام شده بود، و این یعنی "نااطاعتی از حاکمیت خدا" در زندگی (۵).

اما اینک که به گناه خود اعتراف و اقرار کرده بود، خدا نیز فوراً گناهش را بخشید. خدا مانند ما انسانها نیست. برای ما زمان زیادی می‌برد تا به گناهانمان اقرار و اعتراف کنیم، اما خدا به سرعت گناهان را می‌آمرزد. آمرزیدن یعنی آنکه خدا احساس گناه خطایی را که او مرتکب شده بود از میان برد. گناه او در آسمان پاک شد و دیگر جایی یافت نخواهد شد (۵). مسیحیان هیچگاه نسبت به بخشوده شدن گناهان خویش ناآگاه نیستند. زمانی که گناهانمان آمرزیده می‌شود، روح ما آرامش خدا را احساس خواهد کرد و این منبع شادی بسیار عظیمی خواهد بود. به همین دلیل داود می‌فرماید: "خوشحال کسی که گناهانش آمرزیده شده و خطاهایش بخشیده شده است". اما در ضمن از یاد نمی‌برد که این را هم اضافه کند: "خوشحال کسی که خداوند او را مجرم نمی‌شناسد و

حیله و تزویری در وجودش نیست" یعنی ، آنکه هیچ گناهی را مخفی نگه نمیدارد یا کسی که تلاش نمی کند تا گناه خود را توجیه کند (۲-۱) .

سوم . "داود به انسان تعلیم می‌دهد تا به خدا تسلیم شوند" . تجربه خود داود به او فهماند که دل آدمی تا چه حد می‌تواند فریبکار باشد. او به همه خداپرستان توصیه کرد تا خاموش نمانند ، بلکه نزد خدا دعا کنند. تا وقتی که خدا هنوز یافت می‌شود و قبل از آنکه سیلاب با شدت جاری شود و انسانها را خود ببرد ، آنها باید نزد خدا دعا کنند. داود بر اساس تجربه شخصی خود به دیگران راهنمایی و تعلیم داد تا در طریق صحیح گام بردارند (۸).

از یک سو "انسانها باید بیاموزند تا نزد خدا دعا کنند" . حتی زمانی که تلاطمات وجدان و سیلاب عذابهای فکری همچون آبخاری که از کوهی رفیع بر سرشان می‌آید و آزارشان می‌دهد ، ایشان باید دعا کنند. هنگام دعا ، دست حمایت‌گر خدا نخواهد گذاشت تا انسان در جریان سیلاب بیفتد ، بلکه از هر سو او را احاطه خواهد کرد. و آنگاه خواهد توانست سرودهای رهایی بسراید (۶-۷).

از سویی دیگر ، "انسانها باید بیاموزند تا به خدا تسلیم شوند و خود را به او بسپارند" . آنها نباید همانند حیواناتی باشند که از ترس مجازات شدن مجبور به انجام اراده صاحبانشان شوند. انسانها نباید چون داود عمل کنند. او پس از رنج بسیاری که در جسم و روح متحمل گردید ، بالاخره تسلیم خدا شد و خود را به خدا سپرد و عاقل گردید (۹) . هر که تسلیم خدا نشود یا خود را به خدا نسپارد ، قطعاً دچار بلایای بسیار خواهد شد. اما هر که تسلیم خدا شود و خود را به خدا بسپارد ، بطور قطع محبت بی‌انتهای خدا را خواهد چشید (۱۰).

چهارم . "داود به انسانهای دیگری نیز که گناهانشان آمرزیده شده بود توصیه کرد تا در خداوند شاد باشند" . آنها با شادی و سرودهای خود ، نشان می‌دهند که گناهانشان آمرزیده شده است ، و اینکه بر اساس خواسته‌های عادلانه خدا گام بر می‌دارند و اینکه هیچ گناه مخفی یا فریب در دل ایشان نیست.

(S) در میان گذاشتن برکات از مزمور ۳۳ . "سرودی تازه درباره ایمان و امید" .

نویسنده این مزمور هیچگونه دلیل خاص تاریخی برای سرآیدن این سرود ذکر نمی‌کند. این مزمور بیشتر حالت یک "اعتراف ایمان نیرومند" را دارد ، یعنی ایمان به مهیا شدن نیازهای کلی تمام اقوام جهان از سوی خدا ، و مراقبت ویژه او از قوم خاص خود ، که شامل ایماندارانی می‌شود که در دوره عهدعتیق می‌زیستند. این مزموری است درباره پیروزی ایمان داشتن به قدرت مطلق خدا بر همه آفرینش ، بر همه انسانهای روی زمین ، و بر همه نقشه‌ها ، طرفندها و سپاهیان اقوامی که با قوم خدا ضدیت می‌ورزند. نویسنده نصیحت می‌کند تا انسانها بسرایند و خدا را بپرستند ، تا موسیقی بنوازند و عظمت خدا را اعلام کنند ، و این کار را نه فقط بوسیله سرودهایی که تاکنون می‌شناخته‌اند انجام دهند ، بلکه بوسیله سرودهای تازه‌ای که می‌سرایند به خدا احترام بگذارند. قوم خدا "درستکاری" توصیف شده‌اند که بر اساس خواسته‌های عادلانه خدا گام بر می‌دارند. آنها همچنین "نیکانی" توصیف شده‌اند که هیچگونه گناه پوشیده یا فریب در دل خود مخفی نمی‌کنند. آنها وظیفه دارند تا با ادوات موسیقی و به همراه سرودهای تازه ، بسرایند و خدا را بپرستند (۱-۳) . نویسنده سه دلیل برای لزوم سرآیدن و پرستیدن و نواختن موسیقی به احترام خدا ذکر می‌کند:

اول . "در آیات ۴-۵ او خدا را خدای رحیم و عادل توصیف می‌کند" . قوم خدا باید همراه با ادوات موسیقی و سرودهای تازه خدا را بسرایند و او را بپرستند ، زیرا کلام خدا راست و درست است و کارهایش امین است. خدا آشکار ساخته که خودش ، و نیز کلام و کارهایش ، درست ، عادل و پر از رحمت است. بنابراین انسانها می‌توانند به خدا اعتماد و اتکا کنند. انسانهایی که در طریق درستکاری و عدالت خدا گام بر می‌دارند ، بطور قطع محبت بی‌انتهای خدا را خواهند چشید. به همین دلیل سزاوار است تا آنها همراه با موسیقی و سرودهای تازه بسرایند و خدا را بپرستند.

دوم . "در آیات ۶-۹ نویسنده مزمور ، خدا را خالق قادر متعال همه چیز و همه کس توصیف می‌کند" . قوم خدا باید همراه ادوات موسیقی و سرودهای تازه ، بسرایند و خدا را بپرستند ، زیرا خدا قدرت متعال خود را در آفرینش عالم هنگام خلق ستاره‌های بی‌شمار نشان داده است. خدا تمام اینها را بدون هیچگونه تلاشی آفرید. او تنها کلمه‌ای گفت و همگی اینها آفریده شدند. او قدرت خود را به این طریق نشان داد که آبهای زمین فاقد شکل را بصورت اقیانوسهای عظیم در یک جا جمع کرد ، و نیز آبها را در ابرهای آسمان جمع کرد ، گویی آنها انبارهای او بودند (پیدایش ۱ : ۶-۱۰) . بنابراین تمام انسانهای ساکن بر روی زمین باید خود را به خدای زنده تسلیم کنند و از او بترسند و او را احترام کنند.

سوم . "در آیات ۱۰-۱۹ ، نویسنده خدا را حاکم مطلق و کنترل‌کننده همه وقایع تاریخ توصیف می‌کند" . قوم خدا باید همراه با ادوات موسیقی و سرودهای تازه ، خدا را بسرایند و حمد گویند ، زیرا خدا ، خداوند مقاومت‌ناپذیر تاریخ هر یک از اقوام روی زمین است. هر چند امتهای بر ضد قوم خدا نقشه می‌کشند ، اما خدا تمام نقشه‌های آنها را نقش بر آب می‌کند و هدف آنان را برای نابودسازی منحرف می‌سازد. نقشه‌های ملت‌ها عملی نخواهد شد ، بلکه تنها نقشه خدا بطور قطع اتفاق خواهد افتاد. نقشه‌های خدا تا ابد پابرجا خواهند ماند و خواسته‌های قلبی او در طول هر یک از نسلهایی که در تاریخ می‌آیند ، عملی خواهد گردید (۱۰-۱۱) . اگر چه میلیونها میلیون نفر کار خود را در جهان انجام می‌دهند ، اما خدا از آسمان به پایین می‌نگرد و اعمال همه را زیر نظر دارد. چیزی نیست که از دیدگان او که همه چیز را می‌بیند ، دور باشد. او همه افکار و اعمال انسانها را زیر نظر دارد (۱۳-۱۵) . اگر چه

پادشاهان ملت‌ها مشغول شکل دادن به سپاهیان عظیم به همراه سربازان و اسبان کثیر می‌باشند، یا به بیان امروزی، سپاه خود را با شمار عظیمی از تسلیحات و ماشینهای جنگی مسلح می‌کنند، اما زمانی که خدا بر ضد آنان وارد عمل شود، هیچیک قادر به فرار نخواهند بود. سپاهیان عظیمی که ایشان در اختیار دارند، قادر نخواهد بود آنان را از غضب خدا رهایی ببخشند (۱۶-۱۷). ملت‌هایی که خود را تسلیم خدا نسازند و از او نترسند و او را احترام نکنند امیدی برای نجات و رهایی ندارند، در حالیکه قومی که خدا انتخاب کرده که متعلق به او باشند، و انسانهای خداترس این قوم که او را احترام می‌کنند، امید دارند. امید آنها بر خدا است، یعنی آنها در همه چیز منتظر خدا هستند. آنها به محبت بی‌پایان خدا و رهایی خدا از دست مصیبت‌های دنیا همچون قحطی و مرگ، امیدوار هستند. و نیز آنها اطمینان دارند که خدا از هر واقعه‌ای که در تاریخ اتفاق بیفتد استفاده می‌کند تا نقشه و مقصود خود را عملی سازد، بویژه نقشه و مقصود خود را برای نجات قوم خویش. اگرچه انسانهای خداترس ممکن است در دنیا دچار قحطی یا مرگ شوند، اما آنها این اعتقاد تزلزل‌ناپذیر را دارند که هیچ چیز قادر نیست تا آنها را از محبت بی‌پایانی که خدا نسبت به آنها دارد جدا کند، و هیچ چیز قادر نخواهد بود نقشه کامل خدا را برای حیات ابدی آنان منحرف سازد (۱۲ و ۱۸-۱۹ و رومیان ۸: ۳۱-۳۹). بخاطر وجود این سه دلیل است که قوم خدا به او اعتماد دارند و در او امیدوار هستند. و آنها صدای خود را بلند می‌کنند و با سرودهای تازه حاکی از ایمان و امید می‌سرایند و خدا را حمد می‌گویند (۲۰-۲۲).

(T) در میان گذاشتن برکات از مزبور ۳۴. "سرود رهایی".

اول. "در آیات ۱-۶ داود خدا را بخاطر رهایی که به او داده حمد می‌گوید". روح او تجربه کرده بود که خدا چگونه او را رهایی داده است. بنابراین او به تمام انسانهایی که تجربه رهایی خدا را داشته‌اند، نصیحت می‌کند تا به او ببینند و به همراه او خدا را حمد گویند. خدا انسانها را از بسیاری چیزها رهایی می‌بخشد. از آنجا که آنها خدا را می‌طلبند، خدا نیز قوم خود را از ترس تمام دشمنانشان رهایی می‌بخشد. از آنجا که نگاه آنها متوجه خدا است و به او اعتماد می‌کنند، خدا نیز آنها را از رسوایی و بی‌آبرویی در برابر مخالفانشان رهایی می‌بخشد. از آنجا که نزد خدا دعا می‌کنند، خدا نیز آنها را از دست تمام گرفتاریها رهایی می‌بخشد، گرفتاریهایی که از دست افرادی متحمل می‌شوند که از آنان تنفر دارند.

دوم. "در آیات ۷-۱۰ داود به انسانها توصیه می‌کند تا بچشند و رهایی خدا را ببینند". نخست آنها باید بچشند تا بعد بتوانند ببینند، یعنی در ابتدا باید "تجربه روحانی" رهایی الهی را داشته باشند تا آنگاه بتوانند "معرفت روحانی" و اطمینان کسب کنند که خدا برآستی رهایی می‌دهد. چشیدن و دیدن این بار نیز زمینه‌ای است برای ترس از خدا. هر که تجربه رهایی خدا را داشته باشد، آن مکاشفه‌ای را که خدا از خود از طریق کلام و اعمالش داده است خواهد پذیرفت و به خدا اعتماد خواهد کرد و او را احترام خواهد کرد.

هستند بسیاری که این تجربه را داشته‌اند که فرشته خداوند گرداگرد کسانی است که از خداوند می‌ترسند و آنها را رهایی می‌بخشد. فرشته خداوند اغلب مکاشفه دیدنی خدای نادیدنی است، یعنی "همان کسی" که خدا از طریق او با قوم خود سخن می‌گوید، و از طریق او با قوم خود مشارکت دارد و از طریق او از قوم خود محافظت می‌کند. بنابراین، داود به دیگر انسانها نصیحت می‌کند تا بچشند و ببینند که خدا نیکو است. "نیکویی" خدا شامل کارهای رهایی‌بخش او است و مراقبتی که از قوم خویش بعمل می‌آورد، یعنی آن دسته از کسانی که از او می‌ترسند و در او پناه می‌جویند. پادشاهان و جنگاوران جهان ممکن است مانند شیر ناتوان و گرسنه شوند. اما انسانهایی که از خدا بترسند و او را بطلبند در هیچ چیز نیکو کم نخواهند آورد.

سوم. "در آیات ۱۱-۲۲ داود به انسانها در مورد ماهیت ترس خدا که به رهایی می‌انجامد تعلیم می‌دهد". او انسانها را "اطفال" می‌نامد. اما این بدلیل جوان بودن آنان نیست، بلکه بخاطر نیاز آنان به تعلیم یافتن در خصوص نحوه ترس خدا می‌باشد. برای لذت بردن از آن چیزهایی که به زندگی ارزش و مفهوم می‌بخشند، لازم است تا "از انجام کارهایی خاص اجتناب شود" و "کارهای خاصی انجام گردند". انسان باید زبان خود را از شرارت دور نگاه دارد و نیز از انجام کارهای شرارت‌آمیز دوری کند. او باید بدنبال صلح و درستکاری باشد. زیرا نگاه خدا متوجه درستکاران است، اما او روی خود را از بدکاران بر می‌گرداند (۱۱-۱۶).

اگر چه قوم خدا عادل و درستکار هستند، اما با وجود این، آنها تحت نفرت و آزار و جفای شریران قرار دارند. زمانی که دلشکسته هستند و روحشان بخاطر کارهایی که شریران نسبت به آنان انجام می‌دهد ناتوان شده است، با تمام این احوال خدا نزدیک آنان است و در زمان مناسبی که خود می‌داند آنها را از تمام مشکلاتشان رها خواهد ساخت. هر قدر هم که رنج برده باشند، اما رهایی خدا بطور یقین دور نخواهد بود. از آنجا که تحت حمایت خدا قرار دارند، از در هم شکستگی کامل و مرگ محافظت خواهند شد (۱۷-۲۰).

"بدیهایی که برای درستکاران اتفاق می‌افتد" طریقی است برای آنکه خدا رهایی و نجات خود را نشان بدهد، در حالیکه "بدیهایی که برای بدکاران اتفاق می‌افتد" طریقی است که آنها بطور کامل محکوم و در نهایت نابود گردند (۲۱). هر که پناه خود را در خدا بجوید لازم نیست ترسی داشته باشد زیرا هرگز محکوم نخواهد گردید (۲۲).

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول . هر روز وقت رازگهان داشته باشید و یک فصل از کتاب مزامیر را بخوانید. مزامیر انتخاب شده، عبارتند از مزمورهای ۵۰، ۵۱، ۶۲، ۷۱، ۷۳، ۷۸ و ۸۲. ملاحظات و تفکرات خود را در دفترتان یادداشت کنید. هفته‌ای یک بار، با یک دوست یا در یک مشارکت خانگی یا گروه شاگردی کشفیات، آموخته‌ها و برکات خود را در میان بگذارید.

دوم. کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید .